

شهدای ترور

نویسندگان:

علیرضا یاقوتی و حسین فیروزه

یاقوتی علیرضا، ۱۳۴۷

شهدای ترور / حسین فیروزه، علیرضا یاقوتی.

مشهد: شاملو، ۱۳۹۳.

ص. ۲۵۶

۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۵۲۸-۳

فیبا.

فیروزه، حسین، ۱۳۶۸

جنگ نرم ایران.

DSR۱۶۲۵/۹۹۹۳

۳۵۵۳۴۴۳۰۹۵۵

شهدای ترور

نویسندگان: حسین فیروزه، علیرضا یاقوتی

با مقدمه: سید محمدجواد هاشمی نژاد

لیتوگرافی: آفاق

چاپخانه: پدیده زیبایی شرق

چاپ اول، زمستان ۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۵۲۸-۳

انتشارات شاملو

shamlo.pub@gmail.com



نشر شاملو

۱۱ پیش گفتار

۱۵ مقدمه

۲۱ فصل اول
بررسی روند تشکیل سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۰۹ فصل دوم
قوچان و انقلاب

۱۴۷ فصل سوم
شهدای ترور

۲۴۹ منابع و مآخذ

پرونده‌ی مفتوح خشونت‌های سیاسی و اعمال تروریستی در ایران هم چنان قربانی می‌گیرد و به رغم تمام تلاش‌های صورت گرفته، خطر وجود این قبیل تفکرات، نظام جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند. در میان گروه‌های تروریستی که دست‌شان به خون مردم و شهروندان جمهوری اسلامی آغشته است، نام "سازمان مجاهدین خلق ایران" بیش از هر گروهی خودنمایی می‌کند. ادامه فعالیت‌های تبلیغی و نظامی این دشمن قسم خورده جمهوری اسلامی و خارج شدن نام آن از لیست گروهک‌های تروریستی توسط کشورهای مدعی حقوق بشر و مظلومیت خون بیش از ۱۷۰۰۰ شهید ترور در جمهوری اسلامی باعث شد تا نگارندگان به انتشار این کتاب اقدام نمایند.

این کتاب در سه فصل تدوین گردیده است. فصل اول کتاب، با نیت آشنایی نسل‌های جدید، به مرور خیانت‌ها و جنایت‌های گروهک مجاهدین خلق پرداخته است. در این فصل بیدایی تا فرجام سازمان از طریق اعترافات اعضای دستگیر شده و یا جدا شده از سازمان برای خواننده به صورت چکیده به تصویر کشیده شده و به چپستی، چگونگی، جرایم و بسیاری از پرسش‌های خواننده فکور و حقیقت‌جو پاسخ داده شده است، با مطالعه این فصل خواننده پی خواهد برد که رهبران سازمان، در فضای آزاد بعد از انقلاب بدون آن

که عملاً تصریح کنند، مدل احزاب کمونیستی و مدل حکومت تک حزبی را مشی خود قرار داده بودند، در پی آن بودند تا با اعمال خشونت خود را در قدرت نهادینه کنند. خواننده با مطالعه ی این فصل درک خواهد کرد در آرمان شهر مجاهدین خلق، که تحقق آن فقط در اردوگاه های نظامی ممکن است، لباس قرم های نظامی جای آزادی پوشش و سبک آزاد زندگی اعضا را گرفته و دکتربین سازمان مجاهدین "سبک زندگی" را به "سطح زندگی" برای هواداران و اعضا تغییر داده است.

فصل دوم این کتاب به فعالیت های مجاهدین خلق در قوچان که یکی از شهید پرورترین شهرستان های کشور است پرداخته و فعالیت های سازمان را برای خواننده تشریح می کند.

شهرستان قوچان از حیث پرورش نیروهای انقلابی از پرافتخارترین شهرهای کشور است و تعداد زیاد شهدای ترور این شهرستان کوچک باعث شد تا این شهر مورد بررسی قرار گیرد و از این راه خواننده ی گرامی مطلع شود که ترور نیروهای مذهبی و شهروندان عادی در کوچک ترین شهرستان های میهن اسلامی هم صورت می گرفت و جنایات این گروهک تروریستی در سطح ترور سیاستمداران جمهوری اسلامی باقی نماند.

فصل سوم این کتاب شامل خاطرات شهدای مظلوم ترور شهرستان قوچان است. در این فصل خواننده ضمن آشنایی با در

شهدای ترور شهرستان قوچان که همه ی آنها شهروندان معمولی و کسبه ی بازاری بودند، می تواند درس های بزرگی را از زندگی ساده ولی پربار شهدا بیاموزد و در پاکی و خلوص شهدا غوطه ور شود. این فصل که خواندنی ترین فصل کتاب محسوب می شود شامل خاطرات شهیدان غلام رضا و محمود داودی، زین العابدین قشمشم، احمد آهنچیان، حجت الاسلام و المسلمین سید غلام حسین موسویان و محمد ابراهیم عطاران می باشد.

از افتخارات نگارندگان این اثر، مقدمه ی ارزشمندی است که استاد سید محمد جواد هاشمی نژاد دبیرکل محترم بنیاد هابیلیان و فرزند ارجمند شهید هاشمی نژاد برای این کتاب نوشته اند، از ایشان و آقای سعید رضایی، کارشناس بنیاد هابیلیان به خاطر راهنمایی ها و مشورت هایی که به ما ارزانی داشتند، سپاسگزاریم و برایشان آرزوی موفقیت داریم.

از خانواده های عزیز و گرانقدر شهدای ترور قوچان، به پاس تمام همکاری ها و صبری که در طول مصاحبه ها جهت گردآوری خاطرات شهدا انجام دادند، نهایت تقدیر و تشکر را داریم و همچنین از آقایان برهانی و حمیدی، ریاست و معاونت فرهنگی بنیاد شهید شهرستان قوچان، خانی مقدم ریاست اتاق اصناف قوچان، سرهنگ رجب نژاد فرمانده پایگاه بسیج اصناف قوچان، سلیمی مسئول امور جانبازان و شهدا بنیاد هابیلیان، مجیدی مسئول روابط عمومی بنیاد هابیلیان،

علی فیروزه، یحیی جاهدی فر، نوروز اکبری، مسعود نوربخش، مهدی
وهاب زاده، حسین اصغر لاجینی، رجب پاکنژاد، رضا علی پناه، حجتی
محمد تقدیسی، مهدی فاطمی سالانقوج و رضا جنتی برای لطفی
که به نگارندگان داشتند، سپاسگزاریم.

علیرضا یاقوتی - حسین فیروزه

www.ketab.ir

نویسندگان محترم زحمت کشیده‌اند و در بخش اول این کتاب شمه‌ای از تاریخچه گروهک تروریستی منافقین را برای اطلاع عموم آورده‌اند که کاری درخور تقدیر و ستایش برانگیز است؛ اما واقعیت آن است که بخش عمده‌ای از تاریخ این گروه نه فقط در این کتاب، بلکه در اسناد مکتوب و پژوهش‌های ملی نیز نانوشته مانده است. تلاش این گروه که از ابتدا خود را جدای از روحانیت می‌دانستند و طرز تلقی و برداشت خود را مجزای از اسلام فقهاتی می‌پنداشتند، به گمان این که با تکیه بر مارکسیسم می‌توانند رژیم پهلوی را از پای درآورند، در مرحله عمل به جز چند بمب‌گذاری و ترور که منجر به بازداشت و دستگیری اکثریت این افراد شد، نتیجه دیگری در بر نداشت؛ اما متأسفانه در دو حوزه پیچیده به هم تأثیر عمیقی برجای گذاشت: ابتدا در حوزه فکری و اعتقادی که با بدعتی نادرست و انحرافی عمیق، عده‌ای از جوانان را به گمراهی کشاند و دیگر در عرصه سیاسی که قبل از انقلاب با ایجاد شکاف و سرخوردگی بین نیروهای انقلابی فضا را به نفع رژیم شاه چرخاند و سال‌ها ساواک را بر انقلابیون استیلا بخشید تا آن که به همت مردم و با انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، رژیم منفور شاهنشاهی سرنگون شد.

اساس و جوهره این بدعت شوم و آنچه تحت عنوان «اسلام انقلابی و مرفقی» عرضه شد، در حقیقت کنار گذاشتن اسلام‌شناسان

و مخالفت با تبعیت و ولایت‌پذیری و برداشت شخصی و انحرافی از دین و احکام اسلامی بود؛ برداشتی که از خودبرتربینی آغاز و به خودحق‌انگاری رسید و راه طغیان را گشود.

حضرت امام (ره) سال‌ها قبل از آشکارشدن مواضع فکری آنان، به مبانی اعتقادی تشریح‌شده توسط دو تن از اعضای مرکزیت گروه خدشه وارد کردند و استراتژی سیاسی آن‌ها را تأیید نکردند. علما نیز آن هنگام که وجنات انحرافی این دسته آشکار گردید و حدودمرز خود را با مبارزان مسلمان به نفع مارکسیست‌ها ترسیم کردند، علم روشنگری و هشدار درباره انحراف‌های فکری آنان برداشتند و وظیفه خود دانستند که آشکارا آن‌ها را دعوت به حق کرده و درباره انحرافات فکری آنان بحث کنند؛ اما متأسفانه همان خودبرتربینی که به‌اذعان رهروانشان به سبب تکیه بر مارکسیسم به‌وجود آمده بود، راه را بر هدایت آنان بست.

همچنین بی‌اعتمادی به مردم و تکیه بر سلاح و عمل مسلحانه، باعث ناباوری آنان در مقابل انقلاب اسلامی مردم ایران به زعامت روحانیت و به‌ویژه رهبری امام خمینی (ره) شد تا آنجا که حتی وقتی به‌همت مردم از زندان‌ها آزاد شدند، باور نداشتند که رژیم شاه رفتنی است و همچنان حرکت مردم را یک شورش کور می‌پنداشتند!

پیشینه‌ای آنچنان از رویارویی با اسلام فقهاتی و روحانیت و سپس مواجهه با انقلابی با ماهیتی اسلامی، بذره‌ای کینه و انتقام‌جویی

را در سینه‌های آنان کاشت و جریانی که اصلی‌ترین مهره‌هایش اذعان داشتند که موجودیتی ندارد، با این موتور محرک و در میان غفلت سیاست‌مدارانی که عمق این کینه را دست‌کم گرفته بودند، در فضای آزاد پس از انقلاب به یارگیری از میان جوانان دبیرستانی و دانشگاهی پرداخت و با شعارهای پرطمطراق و انقلابی‌نمایی هوش از سر آن‌ها برد و بار دیگر و با هدف التهاب‌آفرینی و تضعیف پایه‌های نظام نوپا و برآمده از آرا و خواست مردم در عرصه سیاسی کشور ظهور کرد.

در چنین شرایطی علما و دلسوزانی که دوران مبارزه پیش از انقلاب را درک کرده و از عمق انحراف این گروه اطلاع داشتند، بار دیگر به میدان آمدند و درباره خطری که از ناحیه آنان انقلاب و جوانان را تهدید می‌کرد، هشدار دادند و در مقابل منافقین نیز بی‌کار ننشسته و به ترور شخصیت‌های آنان (امام‌(ره) و ایجاد شانتاژ در سطح جامعه پرداختند. عبرت‌آموز این‌که به‌صراحت اعلام داشتند این منازعه‌ای است بین دو «اسلام انقلابی» و «اسلام ارتجاعی» که در نهایت باید یکی از آن دو پیروز شود. بدین ترتیب از همان زمان تئوری خوش‌باوران و یا افراد کم‌اطلاعی را که می‌پنداشتند یا می‌پندارند، منازعه بر سر بی‌جواب‌گذاشتن مطالبه و خواست آنان برای حضور در ساختار سیاسی از سوی حاکمیت است، بر باد دادند. مشارکت سیاسی - اجتماعی آنان نیز نشأت گرفته از جهت‌گیری اعتقادی و استراتژی سیاسی آنان برای ایجاد آشوب بود؛ این منافقین

بودند که برای اولین بار کاندیدای ورود به مجلس را معرفی کردند تا «پروژه تقلب در انتخابات» را کلید بزنند و در پی التهاب‌آفرینی و قانون‌شکنی، نظام را به «بازداشت غیرقانونی، شکنجه و تجاوز» متهم کردند و در این فضا نیروهای نفوذی خود را در مراکز حساس و نقاط کلیدی جاگذاری کردند تا در موعد مقرر دست‌به‌کار گرفتن انتقام شوند!

ساختار استانی و گسترش تشکیلاتی در سطح شهرها، برای کشاندن درگیری‌ها به کف خیابان و صف‌آرایی برای تقابل با نیروهای انقلابی، از جمله گام‌هایی بود که منافقین برای پیشبرد اهداف خود برداشتند که بعدها همانگونه که نویسندگان محترم در بخش دوم این کتاب و در وصف شهادی ترور شهر قوچان آورده اند، معلوم شد که چیزی جز انتقام‌کشی از انقلابیون و پیروان مرجعیت و روحانیت نبوده است.

خوشبختانه اگرچه پس از آغاز مبارزه مسلحانه گروهک تروریستی منافقین و با آن که قوای نظامی مملکت و جوانان غیور، درگیر دفع یک تجاوز همه‌جانبه عظیم بودند؛ اما به مدد مردم انقلابی و تلاش پاسداران و نیروهای انتظامی، بساط فتنه منافقین برچیده شد و آن‌ها به خارج و به دامن کشورهای غربی گریختند؛ اما یک دم از ضربه‌زدن به ملت و منافع ملی کشور غافل نشدند.

ابعاد خیانت‌های منافقین در جنگ تحمیلی، داستانی ناگفته و سربه‌مهر است که مردم ما فقط قله این کوه یخ را در عملیات

مرصاد دیده‌اند. در قضیه پرونده فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز، همدستی منافقین و اسرائیل آن را به یک بحران تبدیل کرد.

شرح و بسط تمام آنچه از سال ۱۳۴۴ تاکنون بر این گروه رفته و آن چه از خیانت و صدمات بر کشور ما وارد آمده است و تحلیل تک‌به‌تک حرکات و اقداماتی که انجام داده است، حداقل برای آن نسلی که صرفاً نامی از این گروهک شنیده‌اند، ضرورتی انکارناپذیر است که کارشناسان تاریخ انقلاب اسلامی و تحلیل‌گران بایستی به این مهم اهتمام ورزند؛ اما مهمتر از آن درک عبرت‌های نهفته در بطن این ماجرا در طول نیم قرن که از پیدایش این جریان می‌گذرد، می‌باشد. بدون شک یکی از عبرت‌انگیزترین آن، همانا تلاش مذبوحانه و بی‌حاصل برای مبارزه با معتقدات و دین مردم مسلمان، به هر وسیله ممکن است. شاید شرح ماجرای این نیم قرن در همین جمله خلاصه شود که منافقین تمام تلاش خود را به کار بستند تا با شعارهای روشنفکرانه و انقلابی‌نمایی و بقه‌درانی برای حقوق بشر و خلق، مردم را از دین و روحانیت جدا کنند؛ اما هرچه بیشتر کاشتند کمتر درویدند!

امید است که با نگارش کتاب‌هایی از این دست ابعاد جنایت‌های این گروهک تروریستی که امروز گردانندگان آن کوشش فراوانی به‌کار بسته‌اند تا آن را از یادها بردایند و نقاب طرفداری از حقوق بشر بر چهره زدند و درصددند تا در انتظار جهانیان جای ظالم و مظلوم را

عوض کنند، ثبت و ضبط شود و در سینه تاریخ بماند.
حقیقت آن است روش‌هایی که منافقین در عملیات‌های تروریستی
به کار گرفتند و ابعاد شناعتی که در آن جنایات درنوردیدند، یک
دهه بعد سرلوحه سایر گروه‌های تروریستی در منطقه قرار گرفت
که همچنان منطقه را درگیر خود ساخته است. این وظیفه همه
ماست که چهره این گروهک ضد‌مردمی را که اکنون تحت حمایت
کشورهای غربی قرار دارد، آشکارا به نمایش بگذاریم.

سید محمد جواد هاشمی نژاد

دبیر کل بنیاد هابیلیان^۱ (خانواده شهدای ترور کشور)

۱) بنیاد هابیلیان (خانواده شهدای ترور کشور)، تشکیلی غیردولتی و فرهنگی است که به منظور تبیین پرونده
تروریسم در ایران تأسیس شده است. پرونده حوادث تروریستی در ایران، نام ۱۷۰۰۰ قربانی بی‌گناه را در خود
ثبت کرده است که گواهی روشن برخشونت گروه‌های افراطی و سند تاریخی و انکارناپذیری در اثبات این
واقعیت که کشور ما بزرگ‌ترین قربانی تروریسم در قرن بیستم بوده است.